

صلاحیت رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح ماموران نظامی؛ از جرم عمومی در محاکم عمومی تا جرم نظامی در

محاکم نظامی

(با تاکید بر رویه قضایی)

چکیده

بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح حین انجام وظیفه ممکن است منجر به آسیب‌هایی برای شهروندان گردد که واجد وصف مجرمانه است؛ چنانکه تیراندازی مامور نظامی موجب قتل یا ضرب و جرح گردد. در این مواقع طرح شکایت کیفری مستلزم تعیین صلاحیت مرجع صالح برای رسیدگی است. اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرایم مرتبط با وظایف خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح را با محاکم نظامی دانسته است. از طرفی رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری بر عهده محاکم عمومی گذارده شده است. حال سوال اینجاست که جرایم ناشی از بکارگیری سلاح و تیراندازی ماموران نیروهای مسلح از کدام سنخ بوده و در صلاحیت کدام مرجع است؟ موضوعی که در رویه قضایی با اختلاف نظر همراه بوده و برخی این گونه جرایم را عمومی پنداشته و قائل به صلاحیت محاکم عمومی شده‌اند و برخی نیز با نظامی دانستن این گونه جرایم، قائل به صلاحیت محاکم نظامی شده‌اند. هدف از انجام پژوهش حاضر که با روش تحلیلی و کاربردی و با بهره‌گیری از منابع معتبر کتابخانه‌ای و رویه قضایی نگارش یافته است، ارائه رویکردی مطلوب در تعیین مرجع صالح و کمک به اتقان آرای قضایی در پرتوی رسیدگی تخصصی مرجع واجد صلاحیت است. این پژوهش اثبات‌کننده این موضوع است که بکارگیری سلاح و تیراندازی از جمله جرایم مرتبط با وظیفه خاص نظامی و انتظامی محسوب می‌شود؛ زیرا بکارگیری سلاح وظیفه خاص نظامی و انتظامی به شمار می‌آید، رسیدگی در محاکم نظامی به جهت تناسب و تخصصی بودن واجد اولویت است و اطلاع دادرسی را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر به واسطه ضرورت حفظ اسرار نظامی و امنیتی در فرایند رسیدگی، بازدارندگی بیشتر رسیدگی در محاکم نظامی، توسعه قلمرو صلاحیت محاکم نظامی در استجازه مقام رهبری، نظامی تلقی شدن جرم تیراندازی بر خلاف مقررات در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و غیر قابل استرداد بودن مجرمان نظامی، صلاحیت این محاکم ارجحیت دارد که این رویکرد در حقوق تطبیقی نیز تا حدودی مورد پذیرش قرار گرفته است.

کلید واژگان: نیروهای مسلح، تضاد صلاحیت، دادرسی افتراقی، ضابط دادگستری، وظیفه نظامی انتظامی، قانون بکارگیری سلاح

یکی از اختیارات قانونی نیروهای نظامی هر کشور در مقابله با جرم، بکارگیری سلاح در موارد ضروری است. در بسیاری از کشورها بکارگیری سلاح ضابطه مند بوده و نیروهای مسلح نمی‌توانند بدون رعایت این ضوابط دست به سلاح برده و تیراندازی نمایند. اهمیت این موضوع از آن جاست که تیراندازی با سلاح امری مخاطره آمیز بوده و موجب آسیب‌های جسمی متعددی می‌شود. به همین منظور، در نظام‌های حقوقی مختلف دو مولفه مهم مورد توجه مقنن قرار گرفته است؛ اختیار بکارگیری سلاح محدود و منحصر به نیروهای نظامی آن کشور شده است و اصولاً به نیروهای داوطلب یا همیار این اختیار اعطاء نمی‌شود. همچنین بکارگیری سلاح تابع تشریفات و رعایت برخی اولویت‌های مقرر در قانون است؛ به گونه‌ای که صرفاً در موارد ضرورت و آن هم به منظور مقابله با مجرمان امکان توسل به سلاح وجود دارد که منوط به رعایت اولویت‌هایی همچون اعلام هشدار، تیر هوایی، تیراندازی کمر به پایین و نهایتاً تیراندازی کمر به بالا خواهد بود.^۱ در اکثر موارد تیراندازی با سلاح، مأموران نظامی در مقام ضابط دادگستری نقش ایفا می‌نمایند که این موضوع بر تعیین صلاحیت دادرسی و دادگاه رسیدگی کننده به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح تاثیرگذار است. از طرفی نیک می‌دانیم که با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و با ذکر تشکیلات و حدود صلاحیت دادگاه‌های کیفری، صلاحیت ذاتی این دادگاه‌ها محدود به رسیدگی به دعاوی کیفری گردید و جز در موارد استثنایی، از رسیدگی به دعاوی حقوقی بازداشته شده‌اند. (رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۱۶) بنابراین حدود صلاحیت دادگاه‌های کیفری به نحو حصری در قانون تعیین گردیده و لازم است از سوی مجریان مورد تبعیت قرار گیرد. رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح به واسطه ویژگی خاص مرتکبان و از طرفی اهمیت و گستره آسیب‌های ناشی از بکارگیری سلاح موجب گردیده است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۷۲، رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در محاکم نظامی بداند و با قید یک استثنا، رسیدگی به جرایم عمومی نیروهای مسلح یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند را در صلاحیت محاکم عمومی قرار دهد. این موضوع در ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز تکرار شده است و تبصره چهارم این ماده، جرم در مقام ضابط دادگستری را جرمی دانسته است که ضابطان حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرایم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی مرتکب می‌شوند. حال سوال اینجاست که اگر مأموران نیروهای مسلح حین مقابله با جرم، ضابط دادگستری تلقی شده و در اثر بکارگیری سلاح و تیراندازی به سمت مرتکبان جرم و یا اشخاص عادی موجب بروز آسیب‌هایی گردند، رسیدگی به این گونه جرایم در صلاحیت کدام مرجع است؟ از یک طرف ضابط دادگستری محسوب شده و مطابق با قوانین پیش گفته، دادرسی و دادگاه‌های کیفری صلاحیت رسیدگی دارند. از طرف دیگر بکارگیری سلاح و تیراندازی وظیفه

^۱ -تبصره ۳ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب سال ۱۳۷۳

خاص نظامی و انتظامی محسوب می‌شود و جز نیروهای مسلح، اشخاص عادی حق بکارگیری سلاح و تیراندازی ندارند. پاسخ این سوال تعیین کننده نوع جرم و مرجع صالح رسیدگی خواهد بود. اگر به تاکید مقنن در وظایف خاص نظامی و انتظامی مقید باشیم، بکارگیری سلاح وظیفه خاص محسوب شده و رسیدگی به جرایم ناشی از آن منحصرراً در دادسرا و دادگاه‌های نظامی خواهد بود ولو اینکه ماموران نیروهای مسلح در مقام ضابط دادگستری بوده باشند. اما در صورتی که به استثنای مصرح در قانون تمسک جوییم، تیراندازی ماموران مسلح در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری بوده و لذا دادسرا و دادگاه‌های کیفری صلاحیت رسیدگی دارند. بررسی رویه قضایی ایران حاکی از آن است که در برخی موارد محاکم نظامی خود را صالح دانسته‌اند، در برخی موارد محاکم عمومی وارد رسیدگی شده و رای مقتضی صادر نموده‌اند و در برخی موارد با نفی صلاحیت توسط هر دو مرجع، پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارجاع گردیده است که آن مرجع نیز در مواردی قائل به صلاحیت محاکم عمومی و در مواردی قائل به صلاحیت محاکم نظامی شده است. موضوع حاضر از موضوعات چالش برانگیز نظام حقوقی ایران است که نه تنها بر رسیدگی تخصصی به جرم تاثیرگذار است، بلکه در مواقعی منجر به اطاله دادرسی و تضییع حقوق اشخاص می‌شود که بررسی همه جانبه آن و پرداختن به استدلال‌ها و رویکردهای دوگانه و ارائه یک پیشنهاد کارآمد در این خصوص می‌تواند به رفع چالش و ایجاد وحدت رویه در نظام حقوقی ایران بینجامد.^۱ بررسی پیشینه پژوهشی موضوع اثبات کننده آن است که در آثار پژوهشی گذشته، خلاء توجه به این مقوله مهم احساس می‌شود. عمده فعالیت‌های پژوهشی ناظر بر گستره صلاحیت محاکم نظامی و تشریح وظایف خاص نظامی و انتظامی بوده است و موضوع بکارگیری سلاح و رویکردهای دو گانه ناظر بر آن مورد توجه قرار نگرفته است. نوآوری اثر حاضر در این خلاصه می‌شود که ضمن درک اهمیت موضوع، به بررسی رویه قضایی و رویکردهای تطبیقی نیز می‌پردازد و برآیند پژوهش در قالب ارائه راهکاری اجرایی و عملیاتی مطرح می‌گردد. روش این پژوهش از حیث ماهیت آن، تحلیلی محسوب می‌شود که با بررسی دیدگاه‌های متعارض در خصوص صلاحیت مرجع رسیدگی کننده به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح و همچنین ذکر نمونه‌هایی از آرای قضایی مراجع کیفری، نظامی و دیوان عالی کشور (در مقام رفع اختلاف در صلاحیت) به تشریح اختلاف نظرها پرداخته و ادله توجیهی هر دیدگاه مورد تتبع و بررسی واقع می‌شود؛ به گونه‌ای که با شیوه استقرایی و با بررسی چهار نمونه رای قضایی که از حیث استدلال و مبانی توجیهی در خصوص صلاحیت خویش متفاوت با یکدیگر محسوب می‌شوند، دیدگاه‌های متعارض را به روشنی

^۱ - تشخیص صلاحیت مراجع قضایی از موضوعات مهم و اساسی در آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شود. تنوع مراجع کیفری و نسبی تلقی شدن مجازات‌ها، سنجش صلاحیت این مراجع را با پیچیدگی بیشتری نسبت به سابق همراه نموده است. ضرورت رفع این چالش انکار ناپذیر است؛ چرا که صدور قرارهای عدم صلاحیت متعدد در رابطه با یک موضوع، اعتبار و جایگاه دستگاه قضا را در دید عموم مردم و جامعه حقوقی خدشه دار می‌کند. (افکار، ۱۴۰۱: ۴۰) از طرف دیگر قرار عدم صلاحیت به نوبه خود موجب اطاله دادرسی شده که نه تنها موجب تحمیل هزینه بر طرفین پرونده می‌شود، بلکه تاثیر سوئی نیز بر منابع اعتباری و نیروی انسانی دستگاه قضایی می‌گذارد.

می‌توان تبیین نمود. در کنار آرای قضایی به نمونه‌هایی تطبیقی نیز اشاره می‌شود تا آشنایی نسبی با رویکرد برخی کشورهای مهم و پیش رو در این زمینه حاصل گردد. این پژوهش از حیث غایت و کارایی نهایی نیز کاربردی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که ضمن پرداختن به چالشی مهم در حوزه صلاحیت مراجع قضایی و پس از طرح دیدگاه‌های مختلف، در نهایت راهکارهایی اجرایی و عملیاتی با محوریت اصلاح قانون و یا صدور رای وحدت رویه ارائه می‌نماید که قابلیت بهره برداری توسط قوه مقننه و قوه قضاییه را دارد. همچنین در این پژوهش به منابع معتبر کتابخانه‌ای استناد شده است و از منابع مرجع، روزآمد و تطبیقی نیز بهره گرفته شده است. سازماندهی این پژوهش نیز این گونه است که در ابتدا به بررسی حق بکارگیری سلاح در نیروهای مسلح و احکام و آثار آن پرداخته می‌شود، صلاحیت محاکم نظامی در قوانین و مقررات موضوعه مورد بررسی قرار می‌گیرد و استثنای حاکم بر این صلاحیت تشریح می‌شود. سپس ادله توجیهی نظامی تلقی شدن جرایم ناشی از بکارگیری سلاح در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری و در ادامه آن دیدگاه مخالف به همراه ادله توجیهی عمومی تلقی شدن این گونه جرایم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در انتها نیز به رویکرد رویه قضایی در این خصوص پرداخته می‌شود تا اختلاف نظر موجود احصاء شده و پیشنهادهای مقتضی ارائه گردد.

۱- حق بکارگیری سلاح در نیروهای مسلح، احکام و آثار آن

بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح با هدف تامین نظم و امنیت ضروری محسوب می‌شود که بدین منظور حق استفاده از سلاح و مهمات در مواقع ضروری به آنان اعطا شده است. «اختیارات و مسئولیت به کارگیری سلاح از سوی مأمورین از آنجا که به امنیت نظام سیاسی از یکسو و حقوق شهروندی افراد جامعه از سوی دیگر مرتبط است، از اهمیت اساسی برخوردار است.» (جمادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۵) بکارگیری سلاح در بسیاری از موارد منجر به آسیب به تمامیت جسمانی اشخاص می‌شود که پیامدهای ناگواری به دنبال دارد. از طرف دیگر «به کارگیری سلاح و تیراندازی مأموران پلیس به متهم یا مجرم این چالش را به دنبال دارد که با اصول حقوق کیفری از جمله اصل برائت و اصل قانونی بودن مجازات در تعارض باشد و این امر نیازمند بررسی و تحلیل بیشتر است.» (فخری و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۵) بنابراین رسیدگی به این گونه رفتارهای مجرمانه و احراز مسئولیت یا عدم مسئولیت مأمور مسلح مستلزم تخصص و اشراف مرجع رسیدگی است. البته خصلت جرایم نیروهای مسلح نیز اقتضای سیاست افتراقی خاص و رسیدگی متمایزی دارد. اهمیت حق بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح، قانون گذار را بر آن داشت تا قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری را در سال ۱۳۷۳ تصویب نماید. در این قانون آموزش مأمورین مسلح، نظارت مستمر فرماندهان، تشریفات و مراتب بکارگیری سلاح، چگونگی کارشناسی و احراز صحت یا عدم صحت بکارگیری سلاح و نهایتاً مسئولیت مأمور و سازمان متبوع وی در آسیب‌های وارده مورد توجه مقنن قرار گرفته است.

۲- صلاحیت محاکم نظامی در پرتو قوانین و مقررات موضوعه

اهمیت رسیدگی به جرایم نظامیان، ایده شکل گیری سازمان قضایی نیروهای مسلح را به دنبال داشته است. دادگاه‌های نظامی از جمله دادگاه‌های اختصاصی ایجاد شده در بسیاری از کشورهای جهان است. بنابر روایت تاریخ، از قدیم الایام رسم بر این بوده است که به جرایم نظامیان توسط خود مقامات ارتشی رسیدگی شود. (آخوندی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۵۳) اگر به سابقه تقنین محاکم نظامی توجه کنیم، خواهیم دید در ابتدا اصل هفتاد و هشتم متمم قانون اساسی مشروطیت به تاسیس محاکم نظامی جامه عمل پوشاند که این سیر قانون‌گذاری تا حال حاضر نیز تداوم داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل ۱۷۲ قانون اساسی به تاسیس سازمان قضایی نیروهای مسلح اختصاص داده شد که محاکم نظامی برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای نیروهای مسلح ایجاد گردید.^۱ در قانون عادی نیز بخش هشتم از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ از ماده ۵۷۱ تا ۶۴۸ به آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح پرداخته است که حکایت از افتراقی بودن دادرسی نظامی دارد. در اصل ۱۷۲ قانون اساسی و ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، ملاک صلاحیت محاکم نظامی، ارتکاب جرم مرتبط با وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح دانسته شده است. در نظریه تفسیری شماره ۱۷۹۰ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲ شورای نگهبان در مقام تفسیر جرایم مرتبط با وظایف خاص نظامی و انتظامی آمده است: «مفهوم کلی جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی روشن است و محتاج به تفسیر نیست، و منظور تخلفاتی است که مأمور نظامی یا انتظامی در ارتباط با وظایف خاص خود مرتکب می‌شود و وظایف خاص و حدود آن را قانون عادی معین می‌نماید.» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶، ج ۴: ۷۴۸) در این دیدگاه شاهد توسعه نسبی در صلاحیت بوده‌ایم؛ به گونه‌ای که صرفاً جرایم انحصاری نظامیان در صلاحیت سازمان قضایی نیست، بلکه جرایمی که ایشان در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های خویش مرتکب می‌شوند، نیز در محاکم نظامی قابل رسیدگی است.^۲ مبتنی بر موارد پیش گفته، به طور کلی جرم نظامی از دو حالت خارج نیست؛ جرم نظامی خاص و جرم در حکم نظامی. اصولاً باید در نظر داشت که جرم نظامی در معنای خاص یا محدود آن، که در همه کشورها در صلاحیت دادگاه‌های نظامی است، جرمی است که ماهیتاً نظامی است و فقط توسط یک فرد نظامی قابل تحقق می‌باشد، مانند فرار از خدمت یا لغو دستور. این جرم یک جرم نظامی صرف بوده و عملی است که ارتکاب آن توسط فرد غیر نظامی جرم محسوب نمی‌گردد. اما جرم نظامی در معنای وسیع آن به هر جرمی گفته می‌شود که فرد نظامی به مناسبت شغل یا وظیفه خود

^۱ - دادگاه‌های اختصاصی به موجب قانون تشکیل شده و نسبت به دادگاه‌های عمومی واجد صلاحیت ذاتی تلقی می‌شوند. هدف از تشکیل این گونه دادگاه‌ها رسیدگی تخصصی با آیین دادرسی افتراقی خاص خود خواهد بود. مصداق بارز دادگاه‌های اختصاصی در نظام حقوقی ایران، دادگاه‌های نظامی است که تنها مرجع اختصاصی مصرح در قانون اساسی به شمار می‌آید که نشان از اهمیت تشکیل این گونه محاکم دارد. برای مطالعه بیشتر در خصوص صلاحیت اختصاصی محاکم کیفری ر.ک. گلدوست جویباری، رجب، اشرفی، محمود و ناظریان، حسین (۱۳۹۱)، «صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در حقوق ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، تابستان ۱۳۹۱، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و هشتم: ۱۱۵-۱۴۹

^۲ - در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۳۰۷ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۱ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز آمده است: «در صورتی که جرائم به وسیله مامورین نظامی و در ارتباط با تکالیف و وظایف خاص نظامی یا انتظامی آنان صورت گرفته باشد رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی خواهد بود.» (ایرانی رباطی،

مرتکب گردد، مانند سرقت یا اختلاس. (خالقی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۶۴) اگر بخواهیم مولفه‌های ایجاد صلاحیت محاکم نظامی در رسیدگی را خلاصه کنیم، می‌توان این گونه بیان داشت: «وجود دو ویژگی در جرم، سبب ارتباط آن با صلاحیت دادگاه نظامی می‌شود، یکی شخص مرتکب و دیگری عمل وی.» (همان) در نظام حقوقی فرانسه تمایل بر آن است تا جرم نظامی هر جرمی تلقی شود که شخص نظامی به مناسبت انجام وظیفه مرتکب شود؛ به گونه‌ای که نظامیانی که در زمان صلح، قابل تعقیب در دادگاه‌های اختصاصی جنحه نظامی یا دادگاه‌های جنایی بدون حضور هیات منصفه هستند، نظامیانی می‌باشند که اساسنامه نظامی حرفه‌ای دارند و به موجب یک قرارداد خدمت می‌کنند یا کسانی که تحت شرایط پیش بینی شده در قانون خدمت ملی انجام وظیفه می‌کنند به استثنای نظامیان خارج کادر یا بازنشسته یا فراری. کسانی که مشغول انجام خدمت نظامی هستند و کسانی که استخدام شده‌اند مشمول قوانین دادرسی نظامی هستند، از روزی که به مقصد می‌رسند تا روزی که به منزل بر می‌گردند. (Stefani and Colleagues, 2001: 8) مطابق با این رویکرد کلیه جرایم ارتكابی نظامیان حین خدمت و به سبب وظایف خاصی که دارند، در محاکم نظامی فرانسه رسیدگی خواهد شد. جالب آنجاست کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز در نظریه شماره ۷/۲/۵۲۰۴۴۶ مورخ ۱۳۸۶/۷/۳ در خصوص جرم پزشک نظامی شاغل در بیمارستان ارتش این گونه بیان می‌دارد: «چون پزشک نظامی در حین خدمت و در ارتباط با وظایف نظامی مرتکب جرم شده، به این اعتبار رسیدگی به اتهام وی در صلاحیت دادرسی و دادگاه نظامی است.» در مقام جمع بندی می‌توان گفت «جرم خاص نظامی یا انتظامی، جرمی است که پرسنل نیروهای مسلح و یا نیروی انتظامی، به اعتبار وصف، خصوصیت و موقعیت خاص شغلی که دارند، مرتکب می‌شوند.» (منصور آبادی و فروغی، ۱۳۹۶: ۷۸)

۳- استثنای صلاحیت محاکم نظامی؛ جرم در مقام ضابط دادگستری

یکی از استثنائاتی که قانون گذار بر صلاحیت محاکم نظامی قائل شده است، رسیدگی به جرایمی است که نظامیان در مقام ضابط دادگستری ایفا می‌نمایند. در قانون آیین دادرسی کیفری برای ضابطان دادگستری وظایف و اختیاراتی در مواجهه با جرایم مشهود و غیرمشهود پیش بینی شده است که طبعاً احتمال ارتكاب برخی رفتارهای مجرمانه را نیز به دنبال می‌آورد. قانون گذار با هدف تسریع در رسیدگی و تمهید بهتر نظم خواهی بزه دیدگان، رسیدگی به این گونه جرایم را در صلاحیت محاکم عمومی قرار داده است. اگر بخواهیم جرم در مقام ضابط دادگستری را توصیف کنیم، باید بگوییم «جرم در مقام ضابط دادگستری جرمی است که ضابط هنگام انجام وظیفه خود در این سمت مرتکب می‌شود و از آنجا که ضابطان دادگستری هم در برابر جرایم مشهود و هم در قبال جرائم غیرمشهود، وظایفی بر عهده دارند، ارتكاب جرم توسط آنها در هر یک از این دو موضع، از صلاحیت سازمان قضایی خارج بوده و در صلاحیت سایر مراجع قضایی است، مانند ضرب و شتم متهم هنگام دستگیری او در جرم مشهود.» (خالقی، ۱۴۰۰: ۶۹۸) امروزه حفظ حقوق متهمین از مباحث بسیار

مهم حقوق شهروندی است که می‌تواند به سبب نقش ارزشمند خود موجب تبیین صحیح و تحقق رعایت قوانین و مقررات توسط مسئولین و شهروندان به صورت متقابل گردد. بنابراین حفظ حقوق متهمین ارتباط تنگاتنگی با اقدامات و تصمیمات ضابطین دارد (نظیفی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۵-۱۷۴)؛ چرا که ضابط در مواجهه مستقیم با شهروندان است و اگر اقدامی از وی سر بزند که موجب تضییع حقوق شهروندان متهم یا غیر متهم گردد، لزوم رسیدگی سریع و قاطع را می‌طلبد. هر چند نفس رسیدگی به جرایم ضابطان دادگستری در محاکم عمومی مطلوب و قابل پذیرش است اما ایراد اساسی آن است که مصادیق این گونه جرایم در قوانین و مقررات جاری کشور احصاء نشده است. علی‌الاصول جرایمی چون تخریب، توهین و ضرب و جرح به هنگام انجام وظیفه ضابطیت می‌توانند واجد این وصف تلقی شوند اما گاهی اوقات ممکن است بین جرم در مقام ضابط دادگستری و جرم مرتبط با وظیفه خاص نظامی و انتظامی تعارض ایجاد شود که تشخیص صلاحیت را با چالش مواجه سازد. مهم‌ترین مصداق ارتکاب جرم از طریق بکارگیری سلاح است. بکارگیری سلاح از یک طرف وظیفه خاص نظامی و انتظامی و از طرف دیگر می‌تواند در مقام ایفای وظیفه ضابطیت تلقی شود که در ادامه به تبیین این موضوع خواهیم پرداخت.

۴- جرم ناشی از بکارگیری سلاح در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری؛ جرم نظامی یا جرم عمومی

استفاده از سلاح و مهمات در هر کشوری ضوابط و مقررات خاصی دارد؛ چرا که بکارگیری سلاح و مهمات آثار ناگواری بر تمامیت جسمانی اشخاص بر جای گذاشته و حتی در مواقعی منجر به قتل می‌شود. از همین رو علی‌الاصول شهروندان عادی حق بکارگیری سلاح و مهمات را جز در مواقع استثنایی و اخذ مجوزهای لازم نخواهند داشت. اما مأموران نیروهای مسلح به منظور کنترل نظم و امنیت عمومی حق بکارگیری سلاح و مهمات داشته و می‌توانند با رعایت ضوابطی به این حق توسل جویند. مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که بکارگیری سلاح توسط ضابط دادگستری در مقام مقابله با جرم، جرمی عمومی و در صلاحیت محاکم عمومی است یا جرمی نظامی و انتظامی بوده و در صلاحیت محاکم نظامی قرار می‌گیرد؟ در پاسخ به این پرسش ابتدا ادله توجیهی نظامی تلقی شدن جرایم ناشی از بکارگیری سلاح مورد بحث و بررسی واقع می‌شود و سپس ادله توجیهی دیدگاه مخالف دائر بر عمومی تلقی شدن این گونه جرایم تبیین می‌گردد تا امکان جمع بندی و نتیجه گیری موضوع میسر شود.

۴-۱- ادله توجیهی نظامی تلقی شدن جرایم ناشی از بکارگیری سلاح در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری

در این بخش ادله توجیهی نظامی تلقی شدن جرایم ناشی از بکارگیری سلاح در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری مورد تشریح قرار می‌گیرد. این ادله عمدتاً ناظر بر نوع جرم ارتكابی، اهمیت خاص آن و شخصیت متفاوت مرتکب خواهد بود که ضرورت رسیدگی در محاکم نظامی را توجیه می‌نماید.

بکارگیری سلاح به مثابه وظیفه انحصاری نظامی و انتظامی

از آن جایی که بکارگیری سلاح آثار و تبعات سوئی بر سلامتی و حیات انسان‌ها دارد، تابع ضوابط و مقررات خاصی بوده و علی‌الاصول ماموران نیروهای مسلح حق استفاده از آن را دارند؛ چرا که «دفاع از مملکت در برابر دشمنان، مبارزه با اشرار و مجرمان، برقراری نظم و امنیت و ... هر دولتی را وادار می‌کند تا افرادی را به کار بگیرد، آموزش‌های ویژه‌ای به آنان دهد و حق و تکلیف داشتن سلاح را برای آنان ایجاد کند.» (الهام و عابد، ۱۳۹۳: ۷۴) البته این ادعا در خصوص کشورهایی همچون ایران صادق است اما در کشوری همچون ایالات متحده آمریکا که از قدیم الایام برای شهروندان عادی نیز حق استفاده از سلاح و مهمات پیش‌بینی شده، این ادعا صادق نیست.^۱ بنابراین استفاده از سلاح در کشوری که حق بکارگیری سلاح در کنترل نظم اجتماعی صرفاً به ماموران مسلح اعطاء شده باشد، وظیفه خاص نظامی و انتظامی تلقی شده و علی‌الاصول شهروندان عادی حق بکارگیری سلاح علیه یکدیگر را ندارند. هر چند «در اصل ۱۷۲ قانون اساسی، علاوه بر جرایم عمومی به «جرایم در مقام ضابط دادگستری» نظامیان نیز در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود، در حالی که این نوع جرایم نیز نوعی جرم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی است.» (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۴۰۹) از طرف دیگر تبصره ۴ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری جرم در مقام ضابط دادگستری را در صلاحیت دادگاه‌های عمومی قرار داده است اما باید گفت «علت و مبنای عدم صلاحیت مراجع نظامی در این جرایم روشن نیست و اگر قانون اساسی نبود، مناسب‌تر بود این جرایم نیز در صلاحیت مراجع نظامی قرار گیرند. اصولاً نظامی‌ها برای فرار از دادرسی نظامی که بدون تردید، بازدارندگی آن نسبت به دادرسی عمومی بیشتر است، به دنبال اثبات این موضوع می‌روند که جرم آن‌ها در راستای اجرای وظایف ضابط بوده است.» (یوسفی، ۱۳۹۵: ج ۲: ۱۹۷) بنابراین جرایم ناشی از بکارگیری سلاح، جرم مرتبط با وظیفه خاص نظامی و انتظامی بوده و در صلاحیت محاکم نظامی است. «به عنوان مثال اگر ماموری که در تعقیب مجرم فراری است یا مسئول ایجاد امنیت در منطقه‌ای می‌باشد، به سوی دیگری تیراندازی کند، مجرم نظامی بوده و به اتهام او در دادسرا و دادگاه نظامی رسیدگی خواهد شد.» (زراعت، ۱۳۹۴، ج ۳: ۸۳)

تناسب و تخصصی بودن محاکم نظامی در رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح

رسیدگی به جرایم نظامی همانند سایر جرایم نیازمند تخصص و آگاهی در امور نظامی می‌باشد؛ هر فردی قادر به شناخت ریزه کاری‌ها و تمامی ابعاد جرم نظامی نخواهد بود و لازم است قضاوت در این خصوص را یا به شخص نظامی داد و یا از کارشناسان دادگستری در امور نظامی استفاده نمود و یا چنانچه قرار است قاضی عمومی به این قبیل پرونده‌ها رسیدگی نماید در این امر تخصص یابد. (عطاریا و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰۹) بنابراین قضات نظامی به

^۱ - اگر به وقایع آمریکا از حیث تاریخی بنگریم، خواهیم دید ساکنان مستعمره‌ها هنگام مهاجرت، فرهنگ و سلاحشان را به همراه خود می‌آوردند. در سال ۱۶۲۲ میلادی مردم مسلح به تفنگ و تعداد زیادی هفت تیر و مهمات بودند. ایالت ویرجینا در سال ۱۶۲۳ میلادی فرمانی صادر کرد که هیچ کس نباید تنها به خارج از ایالت برود مگر با افراد مسلح و مجهز و هر مزرعه‌ای باید به اندازه کافی مهمات و سلاح داشته باشد. (Malcolm, 1983: 289)

جهت کثرت رسیدگی به جرایم نظامیان و تسلط به قوانین و مقررات و امور موضوعی این گونه پرونده‌ها بهتر و بیشتر می‌توانند به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح رسیدگی نمایند و رسیدگی این محاکم تناسب بیشتری با نوع جرم ارتكابی دارد. در حقیقت سنخ جرایم ناشی از بکارگیری سلاح از جرایم نظامی خواهد بود، هر چند در مقام ضابط دادگستری محقق شده باشد.

تسریع در رسیدگی و کاهش اطاله دادرسی در فرایند دادرسی محاکم نظامی

«سیستم قضایی باید بی گناه را بدون تأخیر حمایت کند، همان‌گونه که مجازات بزه‌کاران را هم باید بدون تأخیر صادر کند. همچنین عدم رعایت این اصل ممکن است موجب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود شود. به علاوه سرعت محاکمه فرسایش عاطفی متهم را در اثر دادرسی کیفری کاهش می‌دهد.» (وطني و نرگسیان، ۱۳۹۷: ۲۶۴) در حقیقت در نظام دادرسی کیفری، تسریع در رسیدگی به جرم، صدور تصمیم نهایی و اجرای آن مورد انتظار افراد جامعه است. (جلیلوند، ۱۴۰۳: ۱۲۲) یکی از عواملی که بر رسیدگی پرونده در مهلت معقول اثرگذار است، طبیعت و ماهیت قضیه مطروحه می‌باشد که عبارت است از: پیچیدگی و شرایط حاکم بر پرونده. مهم‌ترین عاملی که بر ماهیت قضیه تأثیرگذار است، پیچیدگی آن است. این پیچیدگی ممکن است ذاتاً مربوط به واقعیات پرونده باشد و یا به علت شرایط خاصی که بر پرونده حاکم بوده، ایجاد شده باشد. (احسان پور و حبیبی، ۱۴۰۴: ۶) جرایم ناشی از بکارگیری سلاح معمولاً در بسیاری از موارد به قتل یا ضرب و جرح شهروندان اعم از متهم یا غیر متهم می‌انجامد که آثار سوئی برای بزه دیدگان و جامعه به دنبال می‌آورد و از طرفی رسیدگی به آن و درک و بررسی ابعاد مختلف موضوع از پیچیدگی خاصی برخوردار است. از طرفی ورودی پرونده در محاکم نظامی در مقایسه با محاکم عمومی کمتر بوده و طبعاً اوقات رسیدگی آن نیز نزدیک تر است که این موضوع موجب تسریع در رسیدگی با سرعت و جدیت بیشتری می‌شود.

حفظ اسرار نظامی و امنیتی؛ وجه تمایز رسیدگی در محاکم نظامی

از آن جایی که جرایم ارتكابی توسط نظامیان با امنیت داخلی و خارجی کشور ارتباط وثیقی داشته و گاهی ممکن است فرایند رسیدگی به آن متضمن بررسی اسناد، داده‌ها و اطلاعات سری و محرمانه باشد، رسیدگی در محاکم نظامی ارجحیت دارد. کیفیت و ماهیت خاص جرایم نظامی، لزوم اجرای کیفرهای سنگین^۱، دفاع به موقع و موثر از حیات نظامی کشور و حفظ اسرار نظامی که ارتباط مستقیم با امنیت داخلی و خارجی دارد و بالاخره وجود سلسله مراتب بین مقامات ارتشی و این که مسئولیت مرتکب در این رهگذر باید از دید خاص نگریسته شود، لزوم شرکت خود نظامیان در این گونه دادرسی‌ها را به خوبی توجیه می‌نماید؛ تا بدان حد که حتی مخالفان دادگاه‌های اختصاصی نیز منکر آن نیستند و ضرورت تشکیل

^۱ -در برخی از کشورهای جهان با این که مجازات اعدام از فهرست کیفرهای قابل اجرا در دادگاه‌های عمومی حذف شده است، در قلمروی دادگاه‌های نظامی به ویژه در زمان جنگ و حکومت نظامی، قلمروی اجرایی وسیعی دارد. (آخوندی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۵۳)

دادگاه‌های اختصاصی نظامی را به طور استثنایی پذیرفته‌اند.» (آخوندی، پیشین) گاهی یک نظامی که مسئول حفظ نظم و امنیت در یک شهر یا منطقه است، تحت تعقیب قرار می‌گیرد. رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح در محاکم عمومی حتی اگر به برائت وی نیز بینجامد، جایگاه ایشان در آن منطقه را متزلزل نموده و بر ایفای وظایف وی تاثیر منفی می‌گذارد حال آنکه رسیدگی در محاکم نظامی به جهت برخورداری از نظام دادرسی افتراقی، حفظ اسرار نظامی و امنیتی و تناسب آن با شخصیت و وضعیت مرتکب نظامی اولویت خواهد داشت. کما اینکه در خصوص روحانیون نیز به جهت این گونه ضرورت‌ها، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت صلاحیت عام رسیدگی به جرایم ارتكابی ایشان را دارد.

بازدارندگی آرای صادره؛ خصیصه بارز رسیدگی در محاکم نظامی

رسیدگی در محاکم نظامی به جهت افتراقی بودن دادرسی و از طرفی قاطعیت در رسیدگی و کیفردهی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و سایر قوانین مرتبط از بازدارندگی بیشتری برخوردار بوده و پاسخ‌های کیفری و انتظامی این مراجع تاثیرگذاری بیشتری بر پیشگیری از تکرار جرم خواهد گذاشت. اساساً بازدارندگی پاسخ‌های کیفری یکی از مهم ترین اهداف مجازات تلقی می‌شود؛ چنانکه اعتقاد بسیاری به فایده مندی دژ مجازات بوده و آن را شیوه‌ای مناسب برای بازداشتن مجرمان بالقوه و بالفعل از ارتكاب جرم در آینده به شمار می‌آورند. (محمودی جانکی و آقایی، ۱۳۸۷: ۳۴۳) وقتی قانون‌گذار در تبصره ۴ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری جرم در مقام ضابط دادگستری را در صلاحیت دادگاه‌های عمومی قرار داده است، این اثر را به دنبال خواهد داشت که مرتکب نظامی با توسل به ادله و توجیهاتی، جرم خویش را در راستای وظیفه ضابطیت تلقی نموده تا به جرایم وی در محاکم عمومی رسیدگی شود که این موضوع، بازدارندگی پاسخ کیفری و مقابله موثر را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

توسعه قلمرو صلاحیت محاکم نظامی در استجازه مقام رهبری

مقام رهبری در خصوص صلاحیت رسیدگی محاکم نظامی در استجازه شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ رسیدگی به پنج دسته از جرایم را در صلاحیت محاکم نظامی دانسته‌اند^۱ که بند چهارم این استجازه صراحتاً به کلیه جرایم مرتبط با سلاح و مهمات توسط کارکنان شاغل در نیروهای مسلح اشاره دارد. این استجازه در روزنامه رسمی شماره ۲۲۰۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۴ منتشر شد و رئیس قوه قضاییه نیز طی بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۸۷۲۲۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۴، صلاحیت‌های توسعه یافته را به محاکم نظامی و عمومی کشور ابلاغ نمودند. مطابق با متن استجازه، کلیه جرایم مرتبط با سلاح و مهمات

^۱ - استجازه شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱: «۱- کلیه جرایم امنیتی مرتبط با خدمت برای نیروهای مسلح از ناحیه کارکنان قراردادی و یا کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح، سازمان‌ها، موسسات و شرکت‌های وابسته که مشمول مقررات نیروهای مسلح نیستند. ۲- جرایم مرتبط با اطلاعات طبقه بندی شده نیروهای مسلح از ناحیه اشخاصی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نسبت به تامین تجهیزات و تسلیحات نیروهای مسلح همکاری دارند. ۳- جرایم امنیتی کارکنان نیروهای مسلح، مرتبط با زمان اشتغال تا پنج سال پس از پایان خدمت ۴- کلیه جرایم مرتبط با سلاح و مهمات توسط کارکنان شاغل در نیروهای مسلح. ۵- جرایم مرتبط با انجام وظایف خاص حفاظتی و انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت دستگاه‌های اجرایی.»

در صلاحیت محاکم نظامی قرار گرفته است که حاکی از اهمیت موضوع می‌باشد. این جرایم اطلاق داشته و مشتمل بر جرایم ناشی از بکارگیری سلاح و مهمات همچون قتل و ضرب و جرح نیز خواهد شد هر چند در مقام ایفای وظیفه ضابطیت باشد. در حقیقت در تعارض ایجاد شده در این خصوص، بکارگیری سلاح و مهمات به جهت اهمیت و حساسیت موضوع بر وظیفه ضابطیت ارجحیت داشته و محاکم نظامی از این حیث صالح دانسته شده‌اند.

تیراندازی بر خلاف مقررات در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح؛ جرم نظامی و انتظامی

مطابق با ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، اگر مامور نظامی حین خدمت یا مأموریت بر خلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید، علاوه بر جبران خسارت وارده و حسب مورد محکومیت به قصاص یا دیه، به حبس از سه ماه تا یک سال نیز محکوم خواهد شد که این مجازات به جهت تخطی از ضوابط حرفه‌ای شغل نظامی پیش بینی شده است. از طرفی در صورت رعایت ضوابط تیراندازی و مجرمانه نبودن عمل نظامی نیز، احکام خاصی برای جبران خسارت و پرداخت دیه مجانی علیه در این ماده پیش بینی گردیده است. از آن جایی که فلسفه وضع قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، سیاست افتراقی برخورد با جرایم خاص نظامی و انتظامی بوده است و مجازات‌های خاصی نیز برای هر یک از رفتارهای ارتكابی پیش بینی نموده است، لذا تیراندازی بر خلاف مقررات نیز جزئی از این وظایف تلقی شده و مشمول احکام و قواعد حاکم بر آن از جمله صلاحیت خواهد بود.^۱ یکی از حقوقدانان که سابقه قضاوت در محاکم نظامی را نیز داشته است، در تشریح احکام مندرج در ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به صورت تلویحی، دادرسی نظامی را در خصوص جرایم ناشی از بکارگیری سلاح و تیراندازی صالح دانسته است. ایشان بیان می‌دارد: «اگر پس از تحقیقات مقدماتی در دادرسی نظامی تیراندازی، مطابق مقررات تشخیص داده شود، چنانچه تبصره یک این ماده و همچنین ماده ۳۳۳ قانون مجازات اسلامی را از معاذیر توجیه کننده (علل تبرئه کننده) بدانیم، آنگاه دادرسی مکلف به صدور قرار منع تعقیب خواهد شد و سپس پرونده از جهت صدور حکم برای پرداخت دیه از بیت المال به اولیاء دم یا مصدوم به دادگاه ارسال می‌شود.» (الممیر، ۱۳۸۶: ۹۶)

حمایت از نیروهای مسلح و جایگاه شغلی ایشان در پرتو غیر قابل استرداد بودن مجرمان نظامی

یکی از مهم ترین آثار رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح در محاکم نظامی غیر قابل استرداد بودن مجرمان نظامی است. «در حقوق بین الملل، قاعده یا استرداد یا محاکمه به تعهد حقوقی دولت‌ها بر طبق حقوق بین الملل عمومی

^۱ - در رای اصراری شماره ۵ مورخ ۱۳۷۸/۳/۱۱ هیات عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور نیز در خصوص دادنامه شماره ۳۲۳ مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۲۷ شعبه اول دادگاه نظامی یک استان آذربایجان شرقی با عنایت به اینکه مامور انتظامی در تیراندازی منجر به قتل مقتول، ضوابط و مقررات را رعایت ننموده است، حکم برائت مامور را منطبق بر مقررات ندانسته و ضمن نقض دادنامه معترض عنه، رسیدگی به آن را به شعبه هم عرض سپرده است. (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۲۱۹) از رای اصراری صادره در هیات عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور که مرجع عالی قضایی محسوب می‌شود، این موضوع تلویحاً برداشت می‌شود که اگر دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی نداشت، قضات هیات عمومی به این موضوع عنایت نموده و ایراد عدم صلاحیت وارد می‌نمودند.

اشاره دارد که بر اساس این تعهد، دولت‌ها مکلفند متهمان به ارتکاب جرایم شدید و مهم بین‌المللی را محاکمه نمایند یا به درخواست استرداد دولت‌های دیگر پاسخ مثبت داده، آنان را برای محاکمه به دولت متقاضی تحویل دهند. این تعهد صرف نظر از ماهیت فراسرزمینی جرم و هم چنین بدون توجه به تابعیت مرتکب یا قربانی جرم مطرح می‌شود.» (اردبیلی و میرفلاح نصیری، ۱۳۹۶: ۱۰) در خصوص مجرمان نظامی به جهت حمایت از ایشان، رعایت مصلحت و جایگاه شغلی نظامیان و حفظ اسرار امنیتی کشور، استرداد ایشان با محدودیت مواجه شده و مجرم نظامی قابل استرداد نیست. در قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ نیز بند ۴ ماده ۸ به این موضوع صراحتاً اشاره داشته است.^۱ اما اگر جرم ارتكابی حین بکارگیری سلاح، جرم در مقام ایفای وظیفه ضابطیت تلقی شود، جرم عمومی بوده و از شمول این اصل خارج می‌شود.

رویکرد حقوق تطبیقی در پذیرش صلاحیت محاکم نظامی در جرایم ناشی از بکارگیری سلاح

از حیث تطبیقی نیز صلاحیت محاکم نظامی در جرایم ناشی از بکارگیری سلاح و تیراندازی ماموران نیروهای مسلح مورد توجه قرار گرفته است. اصل کارکردگرایی^۲ که مورد توجه کمیته حقوق بشر سازمان ملل، دادگاه آمریکایی حقوق بشر^۳، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم^۴ و دادگاه اروپایی حقوق بشر^۵ در چندین مصوبه خود قرار گرفته است، صلاحیت محاکم نظامی را از حیث حقوق بشر بین‌المللی محدود به جرایمی می‌کند که در ارتباط با انجام وظایف نظامی مرتکب شده‌اند و در عمل آن را به جرایم نظامی انجام‌شده توسط اعضای نیروهای مسلح محدود می‌سازد (Gutiérrez and Cantú, 2010: 75) که این رویکرد بدون تفکیک جرایم نظامی و با نگرشی مطلق صلاحیت محاکم نظامی را مورد پذیرش قرار داده است. در کشور کامرون صلاحیت دادگاه‌های نظامی در سال ۱۹۹۷ با صدور یک فرمان ریاست جمهوری گسترش یافت؛ بر اساس این فرمان، آن‌ها اختیار داشتند تا به تعقیب و محاکمه جرایم ارتكابی در تأسیسات نظامی، جرایم مرتبط با اسلحه و سلاح‌های جنگی و اعمال مرتبط با تبهکاری حرفه‌ای^۶ و جرایم سازمان‌یافته^۷ بپردازند. (Andreu-Guzmán, 2004: 190) در نظام حقوقی کامرون به درستی کلیه جرایم مرتبط با اسلحه و مهمات جنگی در صلاحیت محاکم نظامی قرار گرفته است و در این خصوص تفکیکی صورت نگرفته است که نشان از اهمیت موضوع و دقت نظر مقنن این کشور دارد. در کشور کلمبیا دادگاه‌های نظامی بر تمام جرایم معمولاً نظامی و جرایم عادی «نظامی تلقی شده»^۸ که در قانون کیفری نظامی مشخص شده‌اند و همچنین هر جرم عادی که تحت قوانین کیفری عادی

^۱ - ماده ۸ - در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد: «..... ۴- هر گاه جرم ارتكابی از جرایم نظامی باشد....»

^۲ - Functionality principle

^۳ - IHR Court

^۴ - ACHPR

^۵ - ECHR

^۶ - Gangsterism

^۷ - Organized crime

^۸ - 'Militarized' ordinary offences

تعریف شده و توسط اعضای نیروهای مسلح یا پلیس ملی در حین انجام وظیفه مرتکب شده باشد، صلاحیت ذاتی دارند. (Andreu-Guzmán, 2004:238) در کشور آمریکا نیز این رویکرد در خصوص صلاحیت دادگاه‌های نظامی به چشم می‌خورد که هر جرم کیفری که توسط یک عضو نیروهای مسلح انجام شود چه حین خدمت یا در زمان مرخصی، چه داخل یا خارج از پایگاه، چه از نوع عمومی و چه نظامی تأثیر منفی بر مدیریت امور نظامیان دارد که رسیدگی به این جرایم در صلاحیت محاکم نظامی است. (Corn and Jenks, 2015:39) هر چند نظام حقوقی آمریکا کامن لویی (مبتنی بر رویه قضایی) محسوب می‌شود اما به هر ترتیب از حیث موضوعی فرایند رسیدگی به جرایم نظامیان در آن حائز اهمیت بوده و می‌تواند مورد تطبیق با نظام حقوقی ایران قرار گیرد. به موجب ماده ۲ قانون یکپارچه عدالت نظامی آمریکا^۱ مصوب سال ۱۹۵۰، کلیه جرایم اجزای نیروهای مسلح از زمان ورود واقعی به خدمت مشمول صلاحیت محاکم نظامی است و در این خصوص نوع جرم ارتكابی تاثیری نخواهد داشت. در فرانسه نیز در بند دو بخش مقدماتی قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح مقرر گردیده است: «در زمان صلح، جرایم ارتكابی توسط نظامیان در سرزمین فرانسه، زمانی که خارج از خدمت و وظیفه ارتكاب شوند، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و زمانی که در هنگام خدمت و وظیفه ارتكاب شوند، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی اختصاصی است.» (تدین، ۱۳۹۴: ۲۹) همان‌گونه که اشاره گردید در نظام حقوقی فرانسه به جهت تشابه بیشتری که با نظام حقوقی ایران دارد، رویکرد تطبیقی اثرگذاری بهتری دارد. در این کشور البته زمان ارتكاب جرم ملاک تعیین صلاحیت جرایم نظامیان بوده است؛ اگر جرایم ناشی از بکارگیری سلاح حین خدمت ارتكاب یابند، قابل رسیدگی در محاکم نظامی و در صورت ارتكاب خارج از زمان خدمت، در صلاحیت محاکم عمومی است.

۲-۴- ادله توجیهی عمومی تلقی شدن جرایم ناشی از بکارگیری سلاح در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری

در این بخش ادله توجیهی عمومی تلقی شدن جرایم ناشی از بکارگیری سلاح در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این ادله نیز عمدتاً با هدف تسهیل دسترسی شهروندان به مراجع قضایی و حق دادرسی منصفانه و شفاف مطرح گردیده است.

ضرورت دادرسی عادلانه و مستقل در پرتو صلاحیت محاکم عمومی

دادرسی عادلانه و مستقل از مولفه‌های مهم صیانت از حقوق بشر و تضمین حقوق شهروندی محسوب می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با حق دادخواهی و طرح دعوی در مراجع قضایی دارد. ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همه را در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری برابر می‌داند. بند ۱ ماده ۲ میثاق نیز تصریح می‌دارد که همه افراد بدون تبعیض باید به صورت برابر از حمایت دستگاه قضایی در تضمین حقوق خویش برخوردار باشند. در کنار آن ماده ۲۶ میثاق نیز مقرر داشته است که همه افراد باید به صورت برابر از حمایت قانون برخوردار باشند که این تأکید در اسناد بین‌المللی دلالت آشکاری بر این دارد که دادرسی عادلانه و مستقل در مراجع قضایی بی‌طرف از جمله مولفه‌های مهم صیانت از

^۱ -UCMJ(Uniform Code of Military Justice)

حقوق بشر بوده که کشورها متعهد به رعایت آن در همه ابعاد هستند. در توجیه این مولفه باید گفت «برابری انسان‌ها به طور کلی موجب برابری آن‌ها در زمینه‌های مختلف و از جمله در برخورداری از حقوق و یا تکالیف دادرسی است و اصلاً چون افراد برابر هستند و از حقوق مساوی برخوردارند، باید با آن‌ها به طور مساوی برخورد شود. حقوق مساوی باید به طور مساوی نیز حمایت شود و الا اگر حمایت از حقوق مساوی، به طور نامساوی باشد دیگر نمی‌توان از یکسان بودن آن سخن گفت.» (دهقانی و آشوری، ۱۳۹۹: ۱۷۸) از این رو محاکم عمومی بهتر و بیشتر می‌توانند این ضرورت را صیانت نمایند. در خصوص مرجع رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح، اگر محاکم عمومی صلاحیت رسیدگی داشته باشند، استقلال و بی‌طرفی در رسیدگی و رعایت دادرسی عادلانه نمود بیشتری می‌یابد. در حقیقت هر چه صلاحیت محاکم اختصاصی کاهش یابد، تساوی افراد در برابر قانون و دادرسی عادلانه و منصفانه و متکی به اصل استقلال قضایی بیشتر تضمین می‌گردد.

تضمین حق دادخواهی شهروندان در پرتو دسترسی سریع و آسان به محاکم عمومی

حق دادخواهی از حقوق مسلم شهروندان در قانون اساسی به شمار می‌آید. اصل ۳۴ قانون اساسی صراحتاً مقرر داشته است که همه افراد ملت حق دارند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نموده و این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند. «لازمه اجرایی شدن این حق، وجود دادگاه‌های صالح به منظور ایجاد امکان دسترسی و همچنین نبود مانعی در مراجعه به دادگاه برای همگان است.» (درویشوند و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۲) از آن جایی که محاکم نظامی در برخی شهرستان‌ها ایجاد نشده است، در صورت صالح بودن این محاکم در رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح، شهروندان به منظور تظلم‌خواهی می‌بایست مسافت طولانی را طی نموده تا به محاکم نظامی مستقر در مرکز استان و یا مناطق مجاور مراجعه نمایند که این با دسترسی سریع و آسان به محاکم به منظور اعمال حق دادخواهی منافات دارد. اما در صورت صالح بودن محاکم عمومی و به جهت تشکیل این محاکم در جای جای کشور، مانعی برای مراجعه سریع و آسان و طرح شکایت و احقاق حق وجود ندارد. از طرف دیگر صالح بودن محاکم عمومی می‌تواند به صرفه‌جویی در هزینه‌ها و مصارف شهروندان و حاکمیت نیز کمک شایانی نماید.

شفافیت فرایند دادرسی در محاکم عمومی

شفافیت یکی از مسائل مهم فراوری عدالت قضایی است. دادرسی کیفری باید خیلی صریح و شفاف باشد و قضات نیز با صراحت رسیدگی و حکم صادر نمایند و به صورت شفاف در اختیار افکار عمومی قرار گیرد. همچنین رسیدگی علنی، حضور وکیل در همه مراحل دادرسی، انتشار عمومی احکام در صورت درخواست محکوم و پاسخگویی نسبت به احکام صادره عناصر اصلی این شفافیت هستند. (قدیری و دیگران، ۱۴۰۴: ۲۵۱) شفافیت فرایند دادرسی نظارت‌پذیری را افزایش می‌دهد که خود نقش مهمی در اتقان آرای قضایی، دقت نظر قضات در استماع اظهارات طرفین، انجام امور مقدماتی به

منظور کشف حقیقت و صدور رای مستند و مستدل در پرتو قوانین و مقررات موضوعه است که نتیجه آن کاهش تخلفات قضایی و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضا خواهد بود. رسیدگی در محاکم نظامی ممکن است به جهت برخی ملاحظات و ضرورت‌های امنیتی و انتظامی شفافیت فرایند دادرسی را تحت الشعاع قرار دهد. به عنوان نمونه ممکن است موضوع پرونده در زمره امور امنیتی باشد که دادگاه به موجب بند ب ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ قرار غیرعلنی بودن صادر نماید. همچنین وکالت در محاکم نظامی نیز با محدودیت‌هایی مواجه است؛ چنان‌که به موجب ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است، طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نمایند. علاوه بر آن به موجب ماده ۶۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز وکلای دارای تابعیت خارجی حق وکالت در دادگاه‌های نظامی را ندارند مگر اینکه در تعهدات بین‌المللی به این موضوع تصریح شده باشد. از حیث دسترسی به آرای محاکم نظامی نیز محدودیت‌هایی وجود دارد؛ به گونه‌ای که مطابق با ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری، انتشار اطلاعات مربوط به آراء دادگاه‌های نظامی ممنوع است و صرفاً به صلاح‌دید رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح در موارد ضروری و در صورت اقتضای مصلحت، آرای قطعی صادره منتشر می‌گردد. بنابراین رسیدگی در محاکم عمومی بهتر و بیشتر می‌تواند شفافیت فرایند دادرسی را تضمین نماید و از این حیث با محدودیت‌های محاکم نظامی مواجه نمی‌باشد.

صرفه‌جویی در منابع اشخاص و نظام عدالت کیفری در پرتو صلاحیت محاکم عمومی

یکی از روش‌های تحلیل قواعد و مقررات حقوقی، تحلیل اقتصادی آن است. در این روش نهادها، مفاهیم و روابط حقوقی به زبان اقتصادی تحلیل می‌شود. (آقایی طوق، ۱۳۹۲: ۱۵) اگر از این منظر به مقوله صلاحیت رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح بنگریم، خواهیم دید صلاحیت هر یک از محاکم نظامی یا عمومی می‌تواند قابل تحلیل باشد. محاکم عمومی به جهت تسهیل دسترسی شهروندان و شکل‌گیری آن در جای جای کشور نه تنها برای مراجعه اشخاص مقرون به صرفه است، بلکه نظام عدالت کیفری نیز الزامی به تامین و تجهیز زیرساخت‌های محاکم نظامی در نقاط مختلف کشور برای این منظور ندارد. از طرف دیگر به جهت فقدان محدودیت‌های رسیدگی در محاکم عمومی، هزینه کمتری بر طرفین دعوی تحمیل می‌شود که از حیث اقتصادی قابل توجیه است. البته در نقطه مقابل از حیث اطاله دادرسی قاعدتاً محاکم

^۱ «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار

عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند:

الف - امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب - علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

تبصره - منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.»

عمومی به جهت کثرت ورودی پرونده‌ها با این ایراد مواجه هستند که از حیث اقتصادی محاکم نظامی اطلاع دادرسی کمتری داشته و متضرر در زمان کمتری به حقوق خویش دست می‌یابد.

جدول تطبیقی ادله توجیهی صلاحیت محاکم نظامی و محاکم عمومی در جرایم ناشی از بکارگیری سلاح

ادله توجیهی صلاحیت محاکم نظامی در جرایم ناشی از بکارگیری سلاح	ادله توجیهی صلاحیت محاکم عمومی در جرایم ناشی از بکارگیری سلاح
بکارگیری سلاح به مثابه وظیفه انحصاری نظامی و انتظامی	ضرورت دادرسی عادلانه و مستقل در پرتو صلاحیت محاکم عمومی
تناسب و تخصصی بودن محاکم نظامی در رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح	تضمین حق دادخواهی شهروندان در پرتو دسترسی سریع و آسان به محاکم عمومی
تسریع در رسیدگی و کاهش اطلاع دادرسی در فرایند دادرسی محاکم نظامی	شفافیت فرایند دادرسی در محاکم عمومی
حفظ اسرار نظامی و امنیتی؛ وجه تمایز رسیدگی در محاکم نظامی	صرفه‌جویی در منابع اشخاص و نظام عدالت کیفری در پرتو صلاحیت محاکم عمومی
بازدارندگی آرای صادره؛ خصیصه بارز رسیدگی در محاکم نظامی	
توسعه قلمرو صلاحیت محاکم نظامی در استجازه مقام رهبری	

تیراندازی بر خلاف مقررات در قانون مجازات
جرایم نیروهای مسلح؛ جرم نظامی و انتظامی

حمایت از نیروهای مسلح و جایگاه شغلی ایشان
در پرتو غیر قابل استرداد بودن مجرمان نظامی

رویکرد حقوق تطبیقی در پذیرش صلاحیت
محاکم نظامی در جرایم ناشی از بکارگیری
سلاح

۵- بررسی رویه قضایی صلاحیت محاکم در جرایم ناشی از بکارگیری سلاح

در این بخش نمونه آرای قضایی محاکم بدوی و دیوان عالی کشور در مقام حل اختلاف در صلاحیت که در خصوص جرایم ناشی از بکارگیری سلاح بوده است، به تفکیک مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۵- نمونه آرای قضایی صلاحیت محاکم بدوی

در این پرونده به جهت اعلام گزارش فوریت‌های پلیسی دائر بر ارتکاب جرم در یکی از مناطق شهر میانه، ماموران فراجا به محل وقوع جرم اعزام می‌شوند. پس از حضور ماموران در محل، دو نفر در حال شرب خمر مشاهده می‌شوند که با توهین و قدرت نمایی با چاقو و اخلاص در نظم و آسایش عمومی به سمت یکی از ماموران حمله ور شده که ایشان با رعایت قانون بکارگیری سلاح تیراندازی می‌نماید. در این حادثه یکی از متهمان آسیب می‌بیند و با اعلام شکایت وی از مامور فراجا، پرونده به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان میانه ارجاع می‌شود و پس از بررسی موضوع و اخذ نظر کمیسیون کارشناسی بکارگیری سلاح و ارسال پرونده به دادگاه، نهایتاً شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان میانه طی دادنامه شماره ۱۴۰۳۳۰۳۹۰۰۱۰۰۶۳۶۸۷ مورخ ۱۴۰۳/۹/۲۱ حکم به محکومیت بیت المال به پرداخت هفتاد درصد دیه متهم آسیب دیده به جهت تیراندازی صادر می‌نماید.

در این پرونده چنانکه اشاره گردید، دادسرا و دادگاه کیفری به جرم ناشی از بکارگیری سلاح مامور نظامی رسیدگی نموده و حکم مقتضی صادر کرده‌اند. هر چند جرم ارتكابی توسط مامور نیروهای مسلح و حین بکارگیری سلاح بوده است اما نقش مامور در مقام ضابط دادگستری مطمح نظر دادگاه صادرکننده رای در صالح شناختن خود قرار گرفته است.

در پرونده‌ای دیگر، ماموران فراجا به هنگام گشت زنی در منطقه کاظم آباد کرمان به خودرویی مشکوک شده و دستور ایست صادر می‌نمایند. راننده خودرو بدون توجه به فرمان پلیس متواری می‌شود که یکی از ماموران با رعایت قانون بکارگیری سلاح و به جهت عدم توقف خودرو و حرکات خطر آفرین آن تیراندازی می‌نماید که منجر به مصدومیت سرنشین خودرو می‌شود. پس از وقوع این حادثه، مجنی علیه اقدام به شکایت از مامور شلیک کننده و راننده خودرو می‌نماید که پس از ارجاع پرونده به دادرسی نظامی کرمان، موضوع جهت بررسی تخصصی به کارشناسی ارجاع می‌شود و با توجه به گزارش بازرسی انتظامی کرمان، اظهارات شهود و مطلعان و نظریات کارشناسی اولیه و هیات سه نفره محرز می‌گردد که راننده خودرو و مامور فراجا هر یک به میزان ۵۰ درصد در وقوع حادثه مقصر بوده‌اند. پس از ارجاع پرونده به دادگاه، شعبه اول دادگاه نظامی یک استان کرمان طی دادنامه شماره ۱۴۰۴۲۱۳۹۰۰۰۶۶۴۵۷۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۳/۱۴ با عنایت به نظریه هیات کارشناسی بکارگیری سلاح، اقدام مامور را در راستای تشریفات و ترتیب مندرج در قانون بکارگیری سلاح دانسته و حکم بر براءة ایشان صادر می‌نماید اما به جهت جنبه خصوصی جرم، راننده مقصر و بیت المال را بالمناصفه به پرداخت دیه جراحات‌های وارده به شاکی محکوم می‌نماید.

در پرونده اشاره شده، دادرسی و دادگاه‌های نظامی با این تلقی که تیراندازی ماموران نیروهای مسلح از وظایف خاص نظامی و انتظامی بوده است که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز به آن تصریح گردیده است، خود را صالح به رسیدگی دانسته‌اند.

۲-۵- نمونه آرای قضایی رفع اختلاف در صلاحیت در دیوان عالی کشور

شخصی به هنگام عبور غیر مجاز از منطقه مرزی نوسود در شهرستان پاوه از سوی ماموران هنگ مرزی مورد تیراندازی قرار می‌گیرد و متعاقب آسیب‌های وارده، شکایتی در دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان پاوه مطرح می‌نماید. شعبه اول دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان پاوه با استناد به بند چهارم استجازه شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ مقام رهبری^۱ و بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۸۷۲۲۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۴ رییس قوه قضاییه، قائل به عدم صلاحیت دادرسی عمومی بوده و به استناد مواد ۱۱۶، ۱۱۷ و ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادرسی نظامی استان کرمانشاه صادر می‌نماید. پس از ارجاع پرونده به این دادرسی، شعبه اول بازپرسی دادرسی نظامی استان کرمانشاه نیز طی قرار شماره ۱۳۱۹۹۲۰/۱۴۰۳۵۰۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۳/۳۱ با این استدلال که حضور ماموران مرزبانی در منطقه مرزی و مشاهده شاکی حین عبور و مرور مصداق بارز مشاهده جرم مشهود (موضوع بند الف ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری) بوده و ماموران این یگان در مقام ضابط دادگستری تلقی شده و می‌بایست به جرم ایشان در دادرسی عمومی رسیدگی گردد و از طرفی در ایجاد صلاحیت‌های اضافی و توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در جرایم مرتبط با سلاح و مهمات، جرایمی از قبیل قاچاق، خرید و فروش و نگهداری سلاح و مهمات غیر مجاز مد نظر بوده نه سلاح و مهمات مجاز و قانونی که به عنوان وسیله دفاع یا آلت قتاله و جرح استفاده شده باشد، لذا به استناد ماده ۵۹۷ و تبصره چهارم آن از قانون آیین دادرسی کیفری، ضمن سلب صلاحیت از خود، قرار عدم صلاحیت در رسیدگی به اعتبار و شایستگی صلاحیت دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان پاوه صادر می‌نماید و با توجه به حدوث اختلاف در اجرای ماده ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر بر ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی، پرونده جهت حل اختلاف و تأیید مرجع صالح به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد. پس از ارجاع پرونده به شعبه پنجاه و دوم دیوان عالی کشور، این شعبه پس از بررسی موضوع و استدلال مراجع رسیدگی کننده، طی دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۶۳۹۰۰۰۲۹۳۴۰۴ مورخ ۱۴۰۳/۴/۱۸ با پذیرش استدلال شعبه اول بازپرسی دادرسی نظامی استان کرمانشاه، ضمن تأیید این استدلال،

^۱ - کلیه جرایم مرتبط با سلاح و مهمات توسط کارکنان شاغل در نیروهای مسلح

با اعلام صلاحیت حوزه قضایی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان پاوه ترجیحاً شعبه اول دادرسی دادسرای آن شهرستان، حل اختلاف می‌نماید.

در پرونده دیگری، شخصی حین عملیات برقراری نظم و امنیت، از سوی یکی از نیروهای نظامی مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و به قتل می‌رسد. اولیای دم ایشان شکایتی در این خصوص در دادسرای عمومی و انقلاب تهران مطرح می‌نمایند. شعبه اول بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۷ (جنایی) تهران طی قرار شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۱۸۸۷۳۱۸ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۳ با این استدلال که اقدامات عوامل امنیتی در مقام ضابط قضایی نبوده بلکه در اجرای وظایف نظامی آنان در راستای حفظ و برقراری امنیت در جامعه بوده است، صرف نظر از ماهیت موضوع و وقوع یا عدم وقوع جرم، انجام تحقیقات از حیث صلاحیت ذاتی را خارج از صلاحیت این دادسرا دانسته و قرار عدم صلاحیت به شایستگی صلاحیت دادسرای نظامی تهران صادر می‌نماید. پس از ارجاع پرونده به دادسرای نظامی، شعبه هفتم بازپرسی دادسرای نظامی استان تهران نیز با این استدلال که تحقیقات جنایی انجام شده منتج به شناسایی ضارب یا ضاربین نشده است، و دلیلی در نظامی بودن آن‌ها نیز کشف نشده است، قرار منع تعقیب مشتکی عنه را صادر می‌نماید اما در خصوص درخواست مطالبه دیه اولیای دم با عنایت به موجبات صلاحیت دادسرای نظامی که در ماده یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح آمده است، قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادسرای عمومی و انقلاب تهران صادر می‌نماید که در نهایت پرونده برای رفع اختلاف در صلاحیت به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود. شعبه بیستم دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۱۴۰۲۰۶۳۹۰۰۰۳۵۹۴۷۳ مورخ ۱۴۰۲/۵/۸ با این استدلال که شکایت پدر مقتول از نیروهای نظامی بوده و دادسرای نظامی تهران با پذیرش صلاحیت خود در مورد اصل قتل توسط مشتکی عنه قرار منع تعقیب صادر نموده است و ادله‌ای مبنی بر اینکه جرم در مقام ضابط دادگستری واقع شده باشد، اقامه نشده است، برابر ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تبصره ۱ ذیل آن باید نسبت به پرداخت دیه از سوی دادگاه‌های نظامی تهران تعیین تکلیف شود که در نهایت با اعلام صلاحیت دادسرای نظامی تهران حل اختلاف می‌نماید.

چنانکه مشاهده گردید، در رویه قضایی دیوان عالی کشور نیز در خصوص موضوع واحد بکارگیری سلاح و تیراندازی، تشخیص متفاوتی از صلاحیت به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که برخی شعب قائل به صلاحیت محاکم نظامی و برخی قائل به صلاحیت محاکم عمومی بوده‌اند.

جدول تحلیل رویه قضایی صلاحیت محاکم در رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح

شعبه صادر کننده رای	مرجع صالح	استدلال و ادله توجیهی
شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان میانه	دادسرای عمومی و انقلاب و دادگاه کیفری دو	ایفای وظیفه ضابطیت دادگستری
شعبه اول دادگاه نظامی یک استان کرمان	دادسرا و دادگاه نظامی	تیراندازی ماموران نظامی در راستای وظیفه خاص نظامی و انتظامی
شعبه پنجاه و دوم دیوان عالی کشور	دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان پاوه	انصراف استجازه مقام رهبری و بخشنامه رییس قوه قضاییه در رسیدگی محاکم نظامی به کلیه جرایم

مرتبط با سلاح و مهمات از بکارگیری قانونی سلاح توسط نیروهای مسلح		
ارتکاب قتل توسط ماموران نظامی و خروج جرم ارتكابی از جرایم در مقام ایفای وظیفه ضابطیت دادگستری	دادسرای نظامی تهران	شعبه بیستم دیوان عالی کشور

نتیجه گیری و پیشنهادها

برقراری نظم و امنیت در اجتماع و مقابله با پدیده‌های مجرمانه از وظایف اساسی نظام عدالت کیفری است. در برخی مواقع مبارزه با بزهکاری مستلزم بکارگیری سلاح توسط ماموران نظامی و امنیتی است که لازم است با رعایت ضوابط مندرج در قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب سال ۱۳۷۳ صورت گیرد. در مواقعی بکارگیری سلاح و تیراندازی ممکن است به نتایج زیان باری همچون قتل یا ضرب و جرح بینجامد. در صورت حدوث چنین نتایجی و اقدام مجنی علیه یا اولیای دم برای طرح شکایت از رفتار ماموران نظامی، مسئله مهمی که مطرح می‌شود، دادسرا و دادگاه صالح برای رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح است. به موجب اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرایم مرتبط با وظایف خاص نظامی و انتظامی ماموران نیروهای مسلح در صلاحیت محاکم نظامی است که این اصل یک استثناء دارد و آن هم رسیدگی به جرایم نیروهای نظامی در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری است که در صلاحیت محاکم عمومی قرار گرفته است. سوال پژوهش حاضر تبیین جرایم ناشی از بکارگیری سلاح به عنوان جرم نظامی یا عمومی است که در صلاحیت مرجع رسیدگی کننده نیز تاثیرگذار است. در رویه قضایی محاکم کیفری و نظامی و همچنین در دیوان عالی کشور در مقام حل اختلاف در صلاحیت، تفسیرهای دو گانه‌ای از موضوع مطرح می‌شود که موجب اختلاف نظر و تشخیص صلاحیت متفاوت شده است. از یک طرف می‌توان قائل به این شد که در نظام حقوقی ایران حق بکارگیری سلاح و تیراندازی در اجتماع منحصرأ با ماموران نظامی دانسته شده است و هیچ شهروند غیر نظامی حق بکارگیری سلاح بر دیگری حتی به منظور مقابله با جرم را ندارد. این طرز تلقی موجب می‌شود تا جرایم ناشی از بکارگیری سلاح، یک وظیفه خاص نظامی و انتظامی تلقی شده و رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم نظامی قرار گیرد. از طرف دیگر باور متفاوتی وجود دارد که حاکی است این است که هر چند تیراندازی ماموران یک وظیفه خاص نظامی و انتظامی است اما از آن جایی که جرم ارتكابی در مقام ایفای وظیفه ضابط دادگستری بوده است و قانون گذار تفکیکی میان وظیفه ضابط قائل نشده است، جرم ارتكابی عمومی بوده و در صلاحیت محاکم عمومی قرار دارد. ادله توجیهی صلاحیت محاکم نظامی در رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح مشتمل بر موارد زیر است؛ حق بکارگیری سلاح در نظام حقوقی ایران، صرفاً به نیروهای نظامی و انتظامی

اعطاء شده است و شرایط، ضوابط و اقتضائات خاصی دارد؛ به گونه‌ای که رعایت سلسله مراتب توسل به سلاح و تیراندازی به سمت اشخاص می‌بایست مورد بررسی و کارشناسی قرار گرفته و مرجع رسیدگی کننده این مولفه را احراز نماید. از طرفی تناسب و تخصصی بودن رسیدگی به مقوله تیراندازی و قواعد ناظر بر آن ایجاب می‌کند تا محاکم نظامی در رسیدگی به این گونه جرایم ارجحیت داشته باشند. همین طور تسریع در رسیدگی، کاهش اطاله دادرسی، حفظ اسرار نظامی و امنیتی، بازدارندگی بیشتر آرای محاکم نظامی و حمایت از نظامیان و جایگاه شغلی ایشان در پرتو غیر قابل استرداد بودن مجرمان نظامی اقتضای رسیدگی در دادگاه نظامی را دارد. علاوه بر آن مطابق با استجازه مقام رهبری ناظر بر توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی، کلیه جرایم مرتبط با سلاح و مهمات در صلاحیت این محاکم قرار گرفته است. از حیث تطبیقی نیز در رویه حقوق بشر بین المللی و در نظام حقوقی کشورهای چون کامرون، کلمبیا و فرانسه برخی به صراحت و برخی به نحو ضمنی متعرض این صلاحیت شده‌اند و به آن تاکید داشته‌اند. اما در نقطه مقابل ادله‌ای نیز قائل به صلاحیت محاکم عمومی در رسیدگی به این گونه جرایم هستند؛ دادرسی عادلانه و مستقل با اعمال صلاحیت محاکم عمومی بیشتر و بهتر تحقق می‌یابد. حق دادخواهی شهروندان و دسترسی سریع و آسان ایشان به مراجع قضایی به نحو بهتری تضمین می‌شود. علاوه بر آن شفافیت فرایند دادرسی و صرفه‌جویی در منابع اشخاص و نظام عدالت کیفری نیز مبتنی بر تحلیل اقتصادی حقوق با صلاحیت محاکم عمومی به نحو بهتری تامین می‌گردد. با عنایت به دیدگاه‌های دوگانه فوق، به نظر می‌رسد دیدگاه اول از وجاهت بیشتری برخوردار بوده و با موضوع جرم که همان بکارگیری سلاح توسط ماموران نیروهای مسلح است، همخوانی، سازگاری و تناسب بالاتری دارد و می‌تواند به عنوان پاسخ سوال اصلی پژوهش مطرح گردد. در انتها باید اشاره داشت قانون‌گذار معیار روشن و مشخصی به منظور تبیین حدود و ثغور جرم ناشی از بکارگیری سلاح به عنوان وظیفه خاص نظامی و انتظامی پیش بینی ننموده است که همین موضوع موجب اختلاف نظر بسیار شده است که به نظر می‌رسد بهترین معیار برای تشخیص این موضوع، انحصاری بودن حق بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح است که موجب نظامی تلقی شدن وظیفه محسوب می‌شود و طبعاً ارتکاب جرم در مقام ایفاء وظیفه ضابطیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در حقیقت سایر جرایم نظامیان در مقام ایفاء وظیفه ضابطیت (همچون ایراد ضرب و جرح عمدی، تخریب، توهین و ...) در زمره جرایم عمومی محسوب شده و در صلاحیت محاکم عمومی قرار می‌گیرد اما تیراندازی و توسل به سلاح از این مقوله مستثنی است و به جهت ضرورت، مصلحت و تناسب جرم با مرجع رسیدگی می‌بایست مطلقاً در زمره وظایف خاص نظامی و انتظامی تلقی شده و در صلاحیت محاکم نظامی قرار گیرد.

به منظور رفع اختلاف نظر و ایجاد وحدت رویه در مراجع قضایی و از طرفی تفسیر منطبق با واقع از ماهیت جرایم ناشی از بکارگیری سلاح پیشنهاد می‌شود، با افزودن تبصره‌ای الحاقی به ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، جرایم ناشی از بکارگیری سلاح و تیراندازی نیروهای نظامی و انتظامی، از جمله جرایم مرتبط با وظایف خاص نظامی و انتظامی تلقی شده و در صلاحیت محاکم نظامی قرار گیرد. متن پیشنهادی این تبصره به شرح ذیل است: «جرایم ناشی از بکارگیری

سلاح توسط نیروهای مسلح ولو در مقام ضابط دادگستری، از جرایم مرتبط با وظایف خاص نظامی و انتظامی بوده و در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار دارد.» پیشنهاد جایگزین نیز بهره گیری از ظرفیت ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری و طرح موضوع در هیات عمومی دیوان عالی کشور به منظور صدور رای وحدت رویه با رویکرد تعیین صلاحیت محاکم نظامی برای رسیدگی به جرایم ناشی از بکارگیری سلاح است. تحقق این پیشنهادها، گامی موثر در ایجاد وحدت رویه، اتقان آرای قضایی، فراهم نمودن موجبات رسیدگی تخصصی و از همه مهم تر صیانت همه جانبه از حقوق بزه دیدگان و نظامیان خواهد بود.

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Early Version | Not Copiedited

منابع و مأخذ:

الف-فارسی

۱- کتب و مقالات

- آخوندی، محمود (۱۳۸۸)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات
- آقای طوق، مسلم (۱۳۹۲)، «تحلیل» تحلیل اقتصادی حقوق»، **دوفصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره چهارم، شماره دوم
- احسان پور، سید محمدرضا و حبیبی، جواد (۱۴۰۴)، «اطاله دادرسی در امور کیفری؛ با نظر داشت ضابطه «مهلت معقول» در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، **فصلنامه حقوق جزای بین الملل**، دوره سوم، شماره اول
- اردبیلی، محمدعلی و میرفلاح نصیری، ندا (۱۳۹۶)، «اجرای کنوانسیون‌های بین المللی متضمن قاعده «استرداد یا محاکمه» در ایران»، **فصلنامه حقوقی دادگستری**، دوره هشتاد و یکم، شماره نود و هشتم
- افکار، حمید (۱۴۰۱)، «واکاوی حق اختلاف صلاحیت دادرسی در برابر دادگاه از منظر آغاز تحقیقات مقدماتی؛ پایانی بر اختلاف در رویه قضایی»، **فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی**، دوره پنجم، شماره هفدهم doi: [10.22034/law.2023.1986220.1215](https://doi.org/10.22034/law.2023.1986220.1215)
- ایرانی رباطی، بابک (۱۳۹۱)، **مجموعه نظرهای مشورتی جزایی**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد
- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۶)، **اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)**، تحقیق و تدوین محمد صالحی، محمد فتحی و کاظم کوهی اصفهانی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان
- تدین، عباس (۱۳۹۴)، **قانون آیین دادرسی کیفری نیروهای مسلح ایران و فرانسه**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی
- جلیلووند، محمدشهاب (۱۴۰۳)، «تأملی بر ضرورت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی»، **فصلنامه علمی امنیت ملی**، سال چهاردهم، شماره پنجاه و دوم
- جمادی، ارسلان؛ مال میر، محمود؛ حیدری، مسعود و یوسف زاده، علی (۱۴۰۰)، «اختیارات و مسئولیت به کارگیری سلاح از سوی مأمورین در حقوق ایران و انگلیس»، **فصلنامه فقه جزای تطبیقی**، دوره اول، شماره چهارم
- خالقی، علی (۱۴۰۰)، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، چاپ هجدهم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- خالقی، علی (۱۴۰۱)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ چهل و چهارم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- درویشوند، ابوالفضل، کدخدامرادی، کمال و فتاحی زفرقندی، علی (۱۴۰۰)، «تضمینات حق دادخواهی در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظرهای شورای نگهبان»، **فصلنامه دانش حقوق عمومی**، سال دهم، شماره سی و چهارم

دهقانی، علی و آشوری، محمد (۱۳۹۹)، «نقدی بر دادگاه‌های کیفری اختصاصی در ایران»، دوفصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره هشتم، شماره پانزدهم

رحیمی، فرشاد (۱۳۹۸)، «رسیدگی به دعاوی حقوقی در دادگاه‌های کیفری»، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره دوم، شماره دوم

زراعت، عباس (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان

طهماسبی، جواد (۱۳۹۶)، بایسته‌های آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان

عطار نیا، حامد؛ گلدوست جویباری، رجب و اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶). «تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم

فخری، سید وحدت؛ صادقی، سالار و علیزاده، داوود (۱۴۰۲). «تحلیلی بر قانون به کارگیری سلاح در اصول حقوق کیفری»، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ششم، شماره شانزدهم

قدیری، محمد، جعفری، قاسم، جمشیدی راد، محمدصادق، عبدالله‌پور، اکرم و پوربافرانی، علیرضا (۱۴۰۴)، «بایسته‌های شفافیت در دادرسی و چالش‌های آن در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره پنجم

doi: [10.22034/law.2019.239543](https://doi.org/10.22034/law.2019.239543)

گلدوست جویباری، رجب؛ اشرفی، محمود و ناظریان، حسین (۱۳۹۱). «صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در حقوق ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و هشتم

مالمیر، محمود (۱۳۸۶)، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر

محمودی جانکی، فیروز و آقایی، سارا (۱۳۸۷). «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و هشتم، شماره دوم

معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۷)، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه نظامی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل

منصور آبادی، عباس و فروغی، فضل‌الله (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری ۱، چاپ دوم، تهران: نشر میزان

نظیفی، عباس؛ جمشیدی ها، غلامرضا و عزیز آبادی فراهانی، حسین (۱۳۹۷)، «بررسی راهکارهای توانمندسازی ضابطین در رعایت حقوق متهمین با رویکرد جرم‌شناختی»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره اول

وطنی، امیر و نرگسیان، محمد (۱۳۹۷)، «جایگاه اصل رسیدگی در مدت معقول در فرایند کیفری»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره بیست و چهارم، شماره هشتاد و چهارم

یوسفی، ایمان (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری جدید، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان

دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۱۸۸۷۳۱۸ به تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۳، صادره از شعبه اول بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۷ (جنایی) تهران

دادنامه شماره ۱۴۰۲۰۶۳۹۰۰۰۳۵۹۴۷۳ به تاریخ ۱۴۰۲/۵/۸، صادره از شعبه بیستم دیوان عالی کشور

دادنامه شماره ۱۴۰۳۵۰۳۹۰۰۰۱۳۱۹۹۲۰ به تاریخ ۱۴۰۳/۳/۳۱، صادره از شعبه اول بازپرسی دادسرای نظامی استان کرمانشاه

دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۶۳۹۰۰۰۰۲۹۳۴۰۴ به تاریخ ۱۴۰۳/۴/۱۸، صادره از شعبه پنجاه و دوم دیوان عالی کشور

دادنامه شماره ۱۴۰۳۳۰۳۹۰۰۱۰۰۶۳۶۸۷ به تاریخ ۱۴۰۳/۹/۲۱، صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان میانه

دادنامه شماره ۱۴۰۴۲۱۳۹۰۰۰۰۴۶۴۵۷۰ به تاریخ ۱۴۰۴/۱/۳۰، صادره از شعبه اول دادگاه نظامی یک استان کرمان

ب- غیر فارسی

Andreu-Guzmán, Federico (۲۰۰۴) **Military Jurisdiction and International Law: Military Courts and Gross Human Rights Violations**, Vol 1, Geneva: International Commission of Jurists & Colombian Commission of Jurists

Corn, Geoffrey S. and Jenks, Chris. (2015) "A Military Justice Solution in Search of a Problem: A Response to Vladeck", **Georgetown Law Journal Online**, Vol. 104 (Online)

Gutiérrez, Juan Carlos and Cantú, Silvano (2010) "The restriction of military jurisdiction in international human rights protection systems". **Sur – International Journal on Human Rights**, Vol 7, No 13

Malcolm, Joyce Lee (1983) "The Right of the People to Keep and Bear Arms: The Common Law Tradition", **Hastings Constitutional Law Quarterly**, No 10

Stefani, Gaston, Levasseur, Georges and Bouloc, Bernard (2001) **Procédure pénale**, 18 ed, Paris: Dalloz

References

Afkar, Hamid (2022) "Revisiting the Prosecutor's Jurisdictional Dispute with the Court Regarding the Commencement of Preliminary Investigations: An End to Divergent Judicial Practice" **Research and Development in Comparative Law**, 5(17). Doi: [10.22034/law.2023.1986220.1215](https://doi.org/10.22034/law.2023.1986220.1215) (in Persian)

Aghaei Touq, Moslem (2013) "An Analysis of the Economic Analysis of Law" **Comparative Law Studies**, 4(2). (in Persian)

Akhoundi, Mahmoud (2009) **Criminal Procedure**, Vol. 2 (11th ed.), Tehran: Sazman-e Chap va Entesharat. (in Persian)

Andreu-Guzmán, Federico (۲۰۰۴) **Military Jurisdiction and International Law: Military Courts and Gross Human Rights Violations**, Vol 1, Geneva: International Commission of Jurists & Colombian Commission of Jurists. (in English)

Ardebili, Mohammad Ali and Mirfalah Nasiri, Neda (2017) “Implementation of International Conventions Containing the Rule of ‘Extradite or Prosecute’ in Iran” **Justice Law Journal**, 81(98). (in Persian)

Attar Nia, Hamed, Goldoost Jooybari, Rajab and Ardebili, Mohammad Ali (2017) “An Analytical and Critical Study of the Exceptional Nature of Military Criminal Procedure” **Iranian and International Comparative Legal Research**, 10(37). (in Persian)

Corn, Geoffrey S. and Jenks, Chris. (2015) “A Military Justice Solution in Search of a Problem: A Response to Vladeck”, **Georgetown Law Journal Online**, Vol. 104 (Online). (in English)

Darvishvand, Abolfazl, Kadkhoda Moradi, Kamal and Fattahi Zafarghandi, Ali (2021) “Guarantees of the Right of Access to Justice in the Islamic Republic of Iran Based on the Opinions of the Guardian Council” **Public Law Knowledge Journal**, 10(34). (in Persian)

Dehghani, Ali and Ashouri, Mohammad (2020) “A Critique of Specialized Criminal Courts in Iran” **Criminal Law and Criminology Research**, 8(15). (in Persian)

Ehsanpour, Seyed Mohammad Reza and Habibi, Javad (2025) “Delay in Criminal Proceedings: Considering the ‘Reasonable Time’ Standard under the European Convention on Human Rights” **International Criminal Law Review**, 3(1). (in Persian)

Fakhri, Seyed Vahdat, Sadeghi, Salar and Alizadeh, Davoud (2023) “An Analysis of the Law on the Use of Firearms in Light of the Principles of Criminal Law” **Legal Civilization Journal**, 6(16). (in Persian)

Ghadiri, Mohammad, Jafari, Ghasem, Jamshidi Rad, Mohammad Sadegh, Abdollahpour, Akram and Pourbaferani, Alireza (2025) “Requirements of Transparency in Judicial Proceedings and Its Challenges in Criminal Law of Iran” **Economic Jurisprudence Studies**, 7(5). (in Persian)

Goldoost Jooybari, Rajab, Ashrafi, Mahmoud and Nazarian, Hossein (2012) “Specialized or Exclusive Jurisdiction of Criminal Courts in Iranian Law” **Legal Research Journal**, 15(58). (in Persian)

Guardian Council Research Institute (2017) **Constitutional Principles in Light of the Opinions of the Guardian Council (1980–2015)**, Compiled by Mohammad Salehi, Mohammad Fathi and Kazem Kouhi Esfahani (1st ed.), Tehran: Guardian Council Research Institute. (in Persian)

Gutiérrez, Juan Carlos and Cantú, Silvano (2010) “The restriction of military jurisdiction in international human rights protection systems”. **Sur – International Journal on Human Rights**, Vol 7, No 13. (in English)

Irani Robati, Babak (2012) **Collection of Advisory Criminal Opinions**, Vol. 2 (2nd ed.), Tehran: Majd Publications. (in Persian)

Jalilvand, Mohammad Shahab (2024) “Reflections on the Necessity of Establishing Specialized Courts for Adjudicating Crimes against National Security” **National Security Scientific Journal**, 14(52). (in Persian)

Jamadi, Arsalan, Malmir, Mahmoud, Heidari, Masoud and Yousefzadeh, Ali (2021) "The Powers and Liability of Law Enforcement Officers in the Use of Firearms under Iran and English Law" **Comparative Islamic Criminal Law Review**, 1(4). (in Persian)

Judgment No. 140168390018887318, dated March 14, 2023, Division 1 of the Investigative Office, District 27 (Criminal) Public and Revolutionary Prosecutor's Office, Tehran. (in Persian)

Judgment No. 140206390000359473, Dated July 30, 2023, Division 20 of the Supreme Court of Iran. (in Persian)

Judgment No. 140306390000293404, Dated July 8, 2024, Division 52 of the Supreme Court of Iran. (in Persian)

Judgment No. 140330390010063687, Dated December 11, 2024, Division 102 of the Criminal Court II of Mianeh County. (in Persian)

Judgment No. 140350390001319920, Dated June 20, 2024, Division 1 of the Military Prosecutor's Office, Kermanshah Province. (in Persian)

Judgment No. 140421390000464570, Dated April 19, 2025, Division 1 of the Military Court I of Kerman Province. (in Persian)

Judiciary Education Deputy (2008) **Judicial Practice of Iran Concerning Military Courts** (1st ed.), Tehran: Jangal Publications. (in Persian)

Khaleghi, Ali (2021) **Notes on the Criminal Procedure Code** (18th ed.), Tehran: Shahr-e Danesh Institute for Legal Studies and Research. (in Persian)

Khaleghi, Ali (2022) **Criminal Procedure**, Vol. 2 (44th ed.), Tehran: Shahr-e Danesh Institute for Legal Studies and Research. (in Persian)

Mahmoudi Janaki, Firouz and Aghaei, Sara (2008) "A Study of the Theory of Deterrence in Punishment" **Journal of the Faculty of Law and Political Science**, 38(2). (in Persian)

Malcolm, Joyce Lee(1983) "The Right of the People to Keep and Bear Arms: The Common Law Tradition", **Hastings Constitutional Law Quarterly**, No 10.(in English)

Malmir, Mahmoud (2007) **Commentary on the Law on Punishment of Crimes Committed by Members of the Armed Forces** (2nd ed.), Tehran: Dadgostar Publications. (in Persian)

Mansour Abadi, Abbas and Foroughi, Fazlollah (2017) **Criminal Procedure I** (2nd ed.), Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)

Nazifi, Abbas, Jamshidiha, Gholamreza and Aziz Abadi Farahani, Hossein (2018) "Examining Strategies for Empowering Judicial Officers in Respecting the Rights of Suspects: A Criminological Approach" **Social Order Journal**, 10(1). (in Persian)

Rahimi, Farshad (2019) "Adjudication of Civil Claims before Criminal Courts" **Research and Development in Comparative Law**, 2(2). Doi: [10.22034/law.2019.239543](https://doi.org/10.22034/law.2019.239543) (in Persian)

Stefani, Gaston, Levasseur, Georges and Bouloc, Bernard(2001) **Procédure pénale**, 18 ed, Paris: Dalloz. (in English)

Tadayyon, Abbas (2015) **The Criminal Procedure Code of the Armed Forces of Iran and France** (1st ed.), Tehran: Khorsandi Publications. (in Persian)

Tahmasbi, Javad (2017) **Fundamentals of Criminal Procedure** (1st ed.), Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)

Vatani, Amir and Nargesian, Mohammad (2018) “The Status of the Principle of Trial within a Reasonable Time in Criminal Proceedings” **Judicial Law Perspectives**, 24(84). (in Persian)

Yousefi, Iman (2016) **Criminal Procedure Based on the New Criminal Procedure Code**, Vol. 2 (2nd ed.), Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)

Zeraat, Abbas (2015) **Criminal Procedure**, Vol. 3 (1st ed.). Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)

پذیرفته شده / در انتظار انتشار / نسخه اولیه / ویراستاری نشده
Accepted / Awaiting Publication / Early Version / Not Copied

Jurisdiction over Offenses Arising from the Use of Firearms by Military Personnel: From Public Offenses in Ordinary Courts to Military Offenses in Military Courts (With an Emphasis on Judicial Practice)

Abstract

The use of firearms by members of the Armed Forces in the course of performing their official duties may result in harm to civilians that constitutes a criminal offense, such as where a military officer's discharge of a firearm causes death or bodily injury. In such circumstances, the initiation of criminal proceedings necessitates determining the jurisdiction of the competent judicial authority. Pursuant to Article 172 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran and Article 597 of the Criminal Procedure Code, jurisdiction over offenses arising from the specific military or law enforcement duties of members of the Armed Forces is vested in the military courts. Conversely, offenses committed by members of the Armed Forces while acting in their capacity as judicial officers (officers of the judicial police) fall within the jurisdiction of the ordinary criminal courts. The principal issue addressed in this study is whether offenses arising from the use of firearms and the discharge of weapons by members of the Armed Forces should be characterized as offenses connected with their specific military or law enforcement duties, thereby falling within the jurisdiction of the military courts, or as ordinary criminal offenses subject to the jurisdiction of the general courts. This question has given rise to divergent judicial approaches. While one line of judicial authority regards such offenses as ordinary crimes and therefore within the competence of the general courts, another considers them offenses intrinsically connected with military service and consequently subject to the exclusive jurisdiction of the military judiciary. This research, conducted through an analytical and applied methodology and based upon authoritative legal literature, statutory provisions, and judicial precedents, seeks to formulate a coherent approach to determining the competent forum and to enhance the consistency and soundness of judicial decisions through adjudication by the specialized court possessing subject-matter jurisdiction. The findings demonstrate that the use and discharge of firearms by members of the Armed Forces constitute offenses arising from the performance of specific military and law enforcement duties, since the lawful use of firearms forms an integral component of such duties. Accordingly, adjudication by military courts is preferable in light of their institutional expertise and specialized competence, which contributes to greater procedural efficiency and minimizes undue delay in criminal proceedings. Furthermore, the necessity of safeguarding classified military and security information during judicial proceedings, the enhanced deterrent effect of military adjudication, the expansion of military court jurisdiction pursuant to the authorization granted by the Supreme Leader, the express criminalization of the unlawful discharge of firearms as a military offense under the Law on Punishment of Crimes of the Armed Forces, and the non-extraditable status of military offenders collectively reinforce the superiority of military court jurisdiction. This approach also finds, to a certain extent, support within comparative legal systems.

Keywords: Armed Forces; Jurisdictional Conflict; Differential Criminal Procedure; Judicial Police Officer; Military and Law Enforcement Duties; Law on the Use of Firearms.